

فاطمه طالبیان شریفا «دریاچه‌قو» به نویسندگی و کارگردانی مهسا غفور یار و تهیه‌کنندگی مسعود حکم آبادی، داستان شاهزاده‌ای به نام «زیگفرید» را روایت می‌کند که در روز تولدش با دختری به نام «اودت» آشنا می‌شود. او دختری است که به همراه دختران دیگری توسط جادوگر بدذات «روثبارت» به قوهای سفید تبدیل شده‌اند تا به خاطر زیباییشان مانع ازدواج دختر «روثبارت» که نامش «اودیل» است، نشوند. این دختران فقط در شب به شکل انسان درمی آیند؛ ولی در طول روز همچنان قوهستند. طلسم تمامی دختران، تنها زمانی شکسته می‌شود که یکی از آن‌ها بتواند در جشن تولد شاهزاده «زیگفرید» توجه او را به خود جلب و با او ازدواج کند. شاهزاده «زیگفرید» که تحت تأثیر زیبایی و غم‌انگیزی «اودت» قرار می‌گیرد، به او قول می‌دهد وفادار بماند. در ادامه، شاهزاده در دام حیل‌های «روثبارت» گرفتار می‌شود که وعده ازدواج با «اودیل» را که فقط در ظاهر شبیه «اودت» است، مطرح می‌کند. این اتفاق سبب می‌شود اتفاق‌های سهمگین‌تری تا انتهای داستان رقم بخورد. در این هنگام بسیاری از ماجراها از جمله جریان خیانت پادشاه به همسرش آشکار شده و این حقیقت نمایان می‌شود که «اودیل» فرزند پادشاه بوده است. پس از افشاشدن این اتفاق، پادشاه خودکشی می‌کند و «روثبارت» قتل او را به گردن «اودت» می‌اندازد و با این تهمت «اودت» و به تدریج تمام خاندان سلطنتی نابود شده و «اودیل» وارث تخت و تاج می‌شود. داستان «دریاچه‌قو» مفاهیمی از عشق، فریب، وفاداری و قربانی شدن را در خود دارد و همچنان یکی از جذاب‌ترین و پرمطرفدارترین آثار بهانه‌ها است.

نمایش میوزیکال «دریاچه‌قو» اوایل سال ۱۴۰۴ در مشهد به روی صحنه رفت. این شب‌ها و اما دوباره شاهد اجرای این نمایش در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد هستیم. در چند سال گذشته هم رضا صابری این نمایش را در مشهد به روی صحنه برد. «دریاچه قو» برگرفته از اثر معروف ایلچ چایکوفسکی و بر اساس باله جادوانه‌اوساخته شده که حاصل تلاش و تمرین یک گروه تقریباً ۱۰۰ نفره است که با آهنگ‌سازی میلاد قنبری و با صدای گلاب آدینه و سجاد افشاریان اجرا می‌شود. در ادامه، به گفت‌وگو با برخی از بازیگران اصلی این نمایش پرداختیم تا روایت آن‌ها را از نقشی که در این نمایش بازی می‌کنند، جویا شویم.

■ **همذات‌پنداری تماشاگران با «روثبارت»**

بازیگر نقش «روثبارت» در گفت‌وگو با ما بیان اینکه حدود یک سال است درگیر این نمایش هستیم، اظهار کرد: خیلی نشدن‌ها به‌خاطر اسم‌نمایش و مسائل دیگری جلوپای ما بود. بازی کردن شخصیت منفی برای من همین قدر که شیرین است، خیلی سخت هم است؛ چون مرز میان خوب یا افتضاح بودن را داریم یا نقش خوب در نمی‌آید یا یک نقش منفی درخشان ایجاد می‌شود.

نینا گوردزی یا تاگیدر بیانکه شخصیت «وثربارت» بی‌نظیر است، افزود: من وقتی بچه بودم، باربی دریاچه‌قو قو و تئاتر دریاچه‌قو را تماشا می‌کردم و همیشه از شخصیت‌های منفی بدم می‌آمد؛

گزارش

در نشست علمی و تخصصی بررسی طرح‌ها و تجارب زیارت و گردشگری مشهد مطرح شد

نهادها با وجود فراهم کردن زیرساخت، از گردشگری زیارت انتفاع مالی نمی‌برند

فریده خسروی | رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد در سلسله‌نشست‌های علمی و تخصصی بررسی طرح‌ها و تجارب زیارت و گردشگری مشهد که با عنوان «خط‌ویژه مشهدگردی» برگزار شد، اظهار کرد: مسئله گردشگری زیارت یکی از دغدغه‌های اصلی همه کسانی است که در شهر مشهد مشغول فعالیت هستند. از طرفی شهر مشهد بر مبنای حرم مطهر رضوی شکل گرفته و نمی‌توان به غیر از هویت رضوی برای آن متصور بود.

ایمان فرهمندی با بیان اینکه مشکل اصلی و مهم ما در زمینه گردشگری، اقتصاد گردشگری است و به نظرم باید در زمینه اقتصادی مؤلفه‌های فراوان را در نظر گرفت، خاطر‌نشان کرد: تأمین منابع مالی و ناوگان مورد نیاز نیز مسئله مهم دیگری است که باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. همچنین با توجه به طرح مطرح شده درباره اتوبوس‌های دو طبقه بدون سقف گردشگری، محدودیت‌های قانونی را برای تردد این نوع اتوبوس‌ها در شهر داریم؛ چرا که ما در مشهد از تجربه استفاده از این نوع اتوبوس برخوردار هستیم و در ایام و مناسبت‌های مختلف از آن بهره‌برداری شد. ارزیابی که از عملکرد آن وجود دارد هم مثبت است و نشان می‌دهد نیازمندان این اتوبوس گردشگری هستیم؛ اما از نظر قانونی نتوانستیم آن را پلاک کنیم.

وی گفت: باید مزیت نسبی خط گردشگری در مقایسه با شبکه گسترده اتوبوسرانی موجود (با بیش از ۷۰ خط فعال) مشخص شود. چرا باید زائر برای استفاده از این سیستم بلیتی با قیمت ۵۰ یا ۱۰۰هزار تومان تهیه کند، در حالی که در شبکه موازی اتوبوسرانی می‌تواند با بلیط ۲ هزار تومانی به بسیاری از مقاصد دسترسی داشته باشد؟

فرهمندی ادامه داد: اگر مخاطب اصلی، زائران غیرمشهدی باشند، باید مبدأ خطوط از محل‌های اسکان آن‌ها تعریف شود، نه فقط از حرم مطهر رضوی. برای مثال، چه ضرورتی دارد فردی از حرم مطهر به آرامگاه فردوسی یا مجموعه‌های گردشگری دوردست برود؟ در حالی که اگر مبدأ خطوط در محدوده هتل‌ها و مراکز اقامتی پرفرظیت شهر قرار گیرد، کارآمدی سیستم افزایش می‌یابد.

رئیس مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر مشهد با تأکید بر اینکه ایجاد هر سیستم نیازمند رعایت

و ترتیب و توالی است، خاطر‌نشان کرد: نمی‌توان بدون داشتن سیستم‌های سطح پایین‌تر، سیستم سطح بالاتر را اجرا کرد. برای نمونه، در مشهد شبکه ریلی چهارخطی در حال توسعه است؛ اما بدون

گفت‌وگو با بازیگران نمایش «دریاچه‌قو» به بهانه پرفروش‌ترین تئاتر ۱۴۰۴ که برای دومین بار در سال جاری روی صحنه می‌رود

پرواز سپید در ساحل سرنوشت



گرفتند «اودت» را من بازی کنم. وی با بیان اینکه «اودت» در جایی قرار گرفته که همه جور دیگری فکر می‌کنند، افزود: اصولاً انسان‌ها دوست دارند هم‌رنگ جماعت باشند؛ اما «اودت» چیزی را که منطق و عقلش می‌گوید اشتباه است، دنبال نمی‌کند. ایدئولوژی «اودت» این است که جنگ چه معنی دارد و در این باره حرف می‌زند. یک پیام خیلی مهم دیگر این است که ممکن است طی سال‌ها مسئله‌ای تبدیل به یک فرهنگ و طرز فکر شود؛ اما لزوماً نمی‌تواند درست باشد و اگر جایی به این نتیجه می‌رسیم که از روی عقل و منطق با مطالعه مسئله‌ای به اشتباه جلو می‌رود، باید در موردش صحبت کنیم.

■ **عبور از دیوارهای ترس؛ راهی به سوی رشد و تجربه**
بازیگر نقش «زیگفرید» نیز اظهار کرد: نقش من شاهزاده‌ای است که در تمام این سال‌ها به واسطه شاهزاده‌بودن و اینکه پدرش مستبد، فاتح و جنگاور بوده، به شدت تحت محافظت خانواده سلطنتی قرار داشته و بیشتر عمرش را با مادر و ندیمه‌ها سپری کرده و مدام در قصر و تحت‌الحفظ بوده است. با ورود «اودت» به داستان، مقداری ماجراجاری می‌کند و عاشق دختری می‌شود که از قضا دختری است که با خاندان سلطنتی، خون‌خواهی و مستبد بودن پادشاه مشکل دارد. پدر با ازدواج او مخالفت می‌کند و این مخالفت به جایی می‌رسد که کم‌کم «زیگفرید» تصمیم می‌گیرد مقابل پدرش بایستد و بخواهد مستقل‌تر باشد و برای نخستین بار تصمیم بگیرد با چه کسی ازدواج کند. در انتهای داستان با ورود

سن دارد، رسیدن به پروسه بیان و بدن این نقش سخت بود و کم و کاستی‌هایی هم اکنون داشتیم؛ ولی هرچه بیشتر پیش رود، بهتر خواهد شد.

وی با بیان اینکه این شخصیت یک هدف اصلی دارد که عشق از دست رفته‌اش را برگرداند و با دلش زندگی کند، افزود: ولی غرور و تکبرش در دوران جوانی به او این اجازه را نمی‌دهد و از این شخصیت می‌توان یاد گرفت که به غرور مان بهانه‌نهمیم.

■ **ایدئولوژی «اودت»؛ گفت‌وگو برای حل مسائل غلط و جافتاده در جامعه**

بازیگر نقش «اودت» با بیان اینکه این شخصیت از جهت‌هایی و از نظر فکری به من نزدیک است، گفت: به این معنا که در عین

اینکه از آن جادوگر و خشم و طلسمی که برایشان اتفاق افتاده می‌ترسد؛ ولی سعی می‌کند بر ترسش غلبه کند؛ چون فکر می‌کند ایدئولوژی‌اش خیلی مهم‌تر و باارزش‌تر از ترس است، سعی می‌کند بایستد و با شهامت باشد. این بخش خیلی جالب است؛ یعنی همان‌طور که در شرایطی است که خیلی می‌تواند ترسناک باشد و بی‌شک مثل هر آدم دیگری می‌ترسد، اسطوره‌ای و فرازمینی نیست؛ ولی تلاش می‌کند حرفش را بزند و دغدغه‌مند است.

سپیده مذهب با اشاره به اینکه کار اصلی او موسیقی و آواز کلاسیک است، اظهار کرد: به‌خاطر اینکه «اودت» قرار بود قطعه بخواند و همراه با قو‌ها در گروه یک‌سری قطعات اجرا شود، تصمیم

یعنی دوست داشتم همیشه سفیدی برنده شود؛ ولی برخورد تماشاگران به گونه‌ای است که خیلی با «روثبارت» ارتباط برقرار می‌کنند و می‌گفتند ما با روثبارت هم‌ذات‌پنداری می‌کنیم و این خیلی جالب بود.

وی با بیان اینکه هیچ‌کس آدم بدی نیست و یک نقطه تاریک می‌تواند انسان را به یک مرحله دیگر برساند، عنوان کرد: بازی کردن این نقش خیلی سخت و پرچالش بود، به‌خاطر سن و ایهتش؛ من ۲۷ سال دارم و نمی‌توانم این نقش را عین سن آن شخصیت بازی کنم؛ اما خود کاراکتر «روثبارت» به من راه داد و خیلی با من مهربان بود. در زندگی خودم روثبارت خیلی به من کمک کرد؛ یعنی قرار نیست همه عاشق تو باشند. تو خودت بدانی که هدف‌ت چیست، کافی است. شخصیت «روثبارت» ۱۸ سال پای انتقامش ماند.

■ **غرور را بی‌ارزش کنیم!**

بازیگر نقش «پادشاه» در نمایش «دریاچه‌قو» نیز با اشاره به اینکه در اجرای ابتدای سال، مسعود عقلی این نقش را بازی می‌کرد، اظهار کرد: او به دلایلی در دور دوم اجرا‌ها نتوانست شرکت کند و من از اجرای چهل و پنجم به بعد اضافه شدم. یک مرحله زمانی یک ماهه فرصت داشتم برای اینکه نقش پادشاه را حفظ کنم.

سعید باصری با بیان اینکه تلاش کردم نسخه متفاوتی ارائه دهم، عنوان کرد: تلاش من این است که نسخه‌ای را که خودم خلق می‌کنم، بسازم. از آنجایی که شخصیت حدود ۸۵ سال

«روثبارت» یک سری حقایق هم فاش می‌شود و این‌جا شکل‌های دیگری از زیگفرید را می‌بینیم.

آرمان صفری با بیان اینکه هیچ کدام از مردم عوام هیچ‌گاه شاید ارتباط مستقیمی با خاندان سلطنتی نداشته باشند، افزود: اجرای این نقش‌ها از لحاظ شیوه رفتاری چه در فیزیک و چه در بیان مستلزم این بود که حالا فیلم‌ها و کتاب‌های مختلفی دیده شود، یا در آن برهه زمانی که این نمایش اتفاق افتاده، راجع به آن تحقیق شود که ببینیم این شخصیت‌ها چطور بودند. این‌ها همه در شکل‌گیری نقش، یک چالش به حساب می‌آید و رفته‌رفته هرچه تعداد اجراها بیشتر شود، این بازی بیشتر برای خود بازیگر جامی افتد.

وی با اشاره به تعداد بازیگران بسیار این نمایش و با بیان اینکه نزدیک به یک سال تمرین‌های «دریاچه‌قو» طول کشید، اضافه کرد: در این کار تعداد نفراتی که روی صحنه هستند، به شدت زیاد است؛ ابتدای تمرین فقط بچه‌های گروه فرم تمرین می‌کردند و هنوز تمرین‌های ما بازیگران اصلی شروع نشده بود. وقتی بچه‌های فرم آن شکل اولیه‌ای را که باید، گرفتند، ما به آن‌ها اضافه شدیم و تمرین‌هایی با بچه‌های فرم داشتیم. یک سری تمرین‌ها را هم بازیگران اصلی داشتند که این پروسه هم از تمرین‌ها تا دورخوانی و تحلیل نقش‌ها و صحبت‌ها و تمرین‌های تک به تک و جزه به جزه و تمرین‌های صحنه‌های مختلف دو تا بازیگر حدود یک سال زمان برد. این سختی‌ها و اقعاً ارزش داشت. دست‌کم برای من خیلی تجربه شگفت‌انگیزی بود.

این بازیگر با بیان اینکه گاهی وقت‌ها شاید لازم باشد از پوسته‌ای که برای خود ساخته‌ایم، بیرون بیااییم و تا زمانی که پایمان را از این محدودیت‌ها و از این چارچوب بیرون نگذاریم، خیلی چیزها برایمان شفاف نمی‌شود، گفت: ممکن است وقتی این ترس‌ها و این دیوار‌ها را رد کنیم، اتفاقی بیفتد که ما را از موقعیت فعلی خارج کند. این مسئله موجب می‌شود ما با جهان دیگری روبه‌رو شویم و کمک می‌کند یک سری مسائل را زودتر متوجه بشویم و هر چقدر هم بیشتر تجربه کنیم، بی‌شک پخته‌تر خواهیم شد؛ ولی اگر فقط بمانیم و بسنده کنیم و آن محدودیت‌ها و حداقل‌ها برایمان کافی باشد، فکر می‌کنم اتفاق خوبی برایمان نمی‌افتد.

صفری عنوان کرد: در این نمایش هر کسی سنگ خودش را به سینه می‌زند و تنها کسی که برایش دلسوزی نمی‌شود، شاید «زیگفرید» باشد؛ یعنی پادشاه، ملکه یا هر کسی اگر حرفی می‌زنند، فقط به‌خاطر این است که خطاهای خودشان را توجیه کنند و کارشان را پیش ببرند و حالا این وسط «زیگفرید» بهانه‌ای برای این است که بتوانند توجیه بهتری داشته باشند که ما به‌خاطر او این کارها را انجام ندادیم. یک بخش هم این است که اطرافیان ما هر چقدر بخواهند بگویند ما نگران تو هستیم و اگر این کار را بکنی بهتر است، فقط هر کسی به گمان و از ظن خودش آن ماجرا را می‌نگرد که به نفع خودش باشد؛ یعنی اگر سودی نداشته باشد و منفعتی در کار نباشد، بی‌شک نگران حال تو نخواهند بود.



است.

مدنظر قرار گیرد و بهره‌جستن از فناوری اطلاعات نیز در این زمینه اهمیت دارد. مهم‌ترین اهمیت اجرای این طرح در شهر مشهد، کاهش سردرگمی زائر است. ما در مشهد واقعاً با مسئله سردرگمی مواجه هستیم. بسیاری از مشهدی‌ها به ما می‌گویند: «شما اصلاً جای دیدنی ندارید، مشهد جای دیدنی ندارد». حتی خود مشهدی‌ها هم گاهی به این موضوع قائل‌اند؛ اما اگر مراجعه کنند، به آن‌ها گفته می‌شود که فقط ۱۵ خانه تاریخی فعال داریم.

■ **یکی از مشکلات بزرگ مشهد، شناخت نداشتن مردم نسبت به شهر خودشان است**

در ادامه، مدیر احیای بافت‌های تاریخی سازمان باآفرینی فضای شهری شهرداری مشهد با بیان اینکه ما در مشهد زیرساخت‌های زیادی داریم؛ اما این زیرساخت‌ها به هم متصل نیستند، گفت: بیش از ۱۵۰ آژانس گردشگری در شهر فعال‌اند؛ اما کمتر به آن‌ها توجه شده است. همین امر موجب شده مجموعه آژانس‌ها بیشتر به سمت مسیرهای گردشگری بیرونی حرکت کنند و تورها را به شمال، مرکز یا جنوب کشور ببرند؛ در نتیجه فرصت‌های متنوع اقتصادی در داخل مشهد کمتر ایجاد شده است.

بهزاد چوپان‌کاره یادآور شد: ما از قرن هشتم هجری میزبان زائران بوده‌ایم؛ اما امروز کمتر به سایر آثار تاریخی توجه کرده‌ایم و تبلیغ مناسبی در فضای شهری انجام نداده‌ایم. در بسیاری از شهرها بیش از هزار تابلو برای معرفی بافت تاریخی و آثار مختلف نصب شده؛ اما در مشهد این توجه کمتر بوده است. به نظرم باید در مرکز شهر و ن اطوبوس‌های ویژه را به خطوط فعلی اتوبوسرانی اضافه کنیم و مسیرهای گردشگری موجود مانند ۲۴ گذر تشریف و پنج گذر تاریخی می‌توانند با آثار و ابنیه تاریخی پلاک‌گذاری موجود این ظرفیت را ایجاد کنند و تنها کافی است تبلیغات مؤثرتر و گسترده‌تری را انجام دهیم.